



انجمن علمی فقه و حقوق برای تطبیق ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 4, 2024

The Right to Truth in the International Criminal Justice System; A Comparative Study of International Criminal Courts and Transitional Justice Mechanisms

Mohammad Javanbakht*¹

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-37

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2734-3620

TELL: +989197304753

Email:

javanbakht.lawyer@yahoo.com

Article history:

Received: 28 Aug 2024

Revised: 25 Oct 2024

Accepted: 29 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Criminal Justice, Right to Truth, International Criminal Courts, Transitional Justice Mechanisms.

ABSTRACT

The right to truth is one of the fundamental concepts in the international criminal justice system and transitional justice processes, focusing on uncovering and revealing the realities of widespread human rights violations and international crimes. This right, in addition to its individual significance for victims, carries broad social and historical dimensions that contribute to preserving collective memory and preventing the recurrence of such crimes. This article aims to elucidate the position and importance of the right to truth in the international criminal justice system through a comparative analysis of the operations of international criminal courts, such as the International Criminal Court (ICC) and the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY) and transitional justice mechanisms like truth commissions in countries such as South Africa, Chile and Rwanda. The central issue of this research is the assessment of these institutions' capacities to guarantee the right to truth, particularly regarding access to information, victim participation and the reinforcement of mechanisms for moral reparations. The research employs an analytical-comparative method, utilizing legal resources, truth commission reports and judgments issued by international courts. The findings of this study indicate that while international criminal courts primarily focus on judicial and punitive aspects, transitional justice mechanisms adopt a more comprehensive approach to truth, justice and reconciliation, thereby playing a more effective role in realizing the right to truth.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Javanbakht, M (2024). "The Right to Truth in the International Criminal Justice System; A Comparative Study of International Criminal Courts and Transitional Justice Mechanisms". *Journal of International Criminal Law*, 2(4): 27-37.

مقدمه

برای تلفیق جنبه‌های قضایی و غیرقضایی در راستای تضمین هرچه بهتر حق بر حقیقت است.

۱- مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

در اینجا به بررسی مفهوم و جایگاه حق بر حقیقت در حقوق بین‌الملل و ارتباط آن با حقوق قربانیان می‌پردازد. در این راستا، ابتدا مفهوم حق بر حقیقت تعریف و ابعاد مختلف آن تحلیل می‌شود، سپس جایگاه این حق در نظام حقوق بین‌الملل با استناد به اسناد و نهادهای بین‌المللی بررسی می‌گردد. در نهایت، ارتباط این حق با حقوق قربانیان، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱-۱- مفهوم حق بر حقیقت

حق بر حقیقت به معنای حق افراد، به‌ویژه قربانیان و جوامع تحت تأثیر، برای آگاهی از واقعیت جنایات گسترده، دلایل وقوع و هویت عاملان آن است. این حق در ابتدا در چهارچوب حقوق بشردوستانه مطرح شد و به تدریج در حقوق بشر بین‌المللی توسعه یافت (Oette, 2021: 173). برای مثال، پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (مواد ۳۲ و ۳۳) خانواده‌های قربانیان را مستحق دانستن وضعیت عزیزان مفقودشان می‌داند. این مفهوم همچنین توسط نهادهایی مانند کمیسیون بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر (۱۹۵۹) برای مواردی همچون ناپدیدشدگان اجباری گسترش یافته است.

حق بر حقیقت، علاوه بر این که به‌عنوان ابزاری برای تضمین حقوق قربانیان استفاده می‌شود، با اصول عدالت کیفری در نظام بین‌المللی پیوند دارد. این حق نه تنها شامل حق قربانیان برای دسترسی به اطلاعات است، بلکه ابزار مهمی برای افشای مسؤولیت دولت‌ها و پیشگیری از نقض‌های مشابه به‌شمار می‌آید (Naqvi, 2006: 245). به‌طور کلی، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که حق بر حقیقت عبارت است از حق افراد، به‌ویژه قربانیان و جوامع تحت تأثیر، برای دسترسی به اطلاعات واقعی درباره جنایات گسترده، دلایل وقوع آن‌ها و هویت عاملان، با هدف احیای عدالت، شفاف‌سازی مسؤولیت‌ها و پیشگیری از نقض‌های مشابه در آینده. این حق به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی، هم به حفظ کرامت انسانی قربانیان و هم به ارتقای پاسخگویی دولت‌ها و نظام‌های عدالت کیفری کمک می‌کند.

حق بر حقیقت به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در دهه‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوق بین‌الملل کیفری و عدالت انتقالی پیدا کرده است. این حق نه تنها به قربانیان و بازماندگان آن‌ها امکان شناخت حقایق پیرامون نقض‌های شدید حقوق بشری و جنایات بین‌المللی را می‌دهد، بلکه ابزاری برای جبران معنوی، حفظ حافظه تاریخی و تقویت اعتماد عمومی به نظام عدالت به‌شمار می‌آید. اهمیت این حق به‌ویژه در بسترهایی آشکار می‌شود که در آن‌ها نقض‌های گسترده حقوق بشر و جنایات بین‌المللی، از جمله نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت رخ داده است.

در این میان، نظام عدالت کیفری بین‌المللی و مکانیزم‌های عدالت انتقالی به‌عنوان دو مسیر اصلی تحقق عدالت پس از وقوع چنین جنایاتی، تلاش‌هایی متفاوت، اما مکمل برای تحقق حق بر حقیقت انجام داده‌اند. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، از طریق پیگرد و محاکمه مجرمان اصلی، بر جنبه‌های تنبیهی عدالت تأکید دارند. در مقابل، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و سایر مکانیزم‌های عدالت انتقالی، با محوریت شناخت حقیقت و بازسازی اجتماعی، اهدافی فراتر از صرفاً مجازات را دنبال می‌کنند.

با این حال، پرسش اصلی این است که تا چه میزان این دو مسیر توانسته‌اند حق بر حقیقت را تضمین کنند؟ آیا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با تمرکز بر فرآیندهای قضایی، می‌توانند به همه ابعاد این حق پاسخ دهند؟ و آیا مکانیزم‌های عدالت انتقالی به تنهایی قادر به پاسخگویی به مطالبات قربانیان هستند؟ این مقاله در تلاش است تا با بررسی تطبیقی عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و مکانیزم‌های عدالت انتقالی، نقاط قوت و ضعف هریک را در تحقق حق بر حقیقت شناسایی کرده و راهکارهایی برای ارتقای تعامل میان آن‌ها ارائه دهد. در این مسیر، ابتدا مفاهیم و مبانی نظری مرتبط با حق بر حقیقت بررسی شده، سپس تجارب عملی این دو رویکرد در تضمین این حق تحلیل خواهد شد. هدف نهایی، ارائه چهارچوبی جامع

محاكمه مجرمان کلیدی، به پیشبرد عدالت و حقیقت کمک کرده‌اند.

۳-۱- حق بر حقیقت و حقوق قربانیان

قربانیان جنایات بین‌المللی حق دارند از شرایط و دلایل وقوع جنایات و مسؤولان آن آگاه شوند. این حق نه‌تنها برای جبران خسارت، بلکه برای شناسایی نیازهای درمانی و بازسازی اجتماعی ضروری است (Van Boven, 1993: 85). افشای حقیقت، به‌ویژه در بستر عدالت انتقالی، زمینه‌ای برای تحقق عدالت ترمیمی، ایجاد اعتماد عمومی و جلوگیری از انکار جنایات گذشته فراهم می‌کند.

حق بر حقیقت، اگرچه در اسناد و سازوکارهای حقوق بین‌الملل شناخته شده است، اما تحقق عملی آن مستلزم همکاری دولت‌ها و تقویت سازوکارهای بین‌المللی مانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب است. در عمل، مکانیزم‌هایی مانند دادگاه‌های کیفری و عدالت انتقالی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که این حق را به‌صورت جامع، شامل جنبه‌های قضایی و غیرقضایی، تضمین کنند.

۲- تضمین حق بر حقیقت در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مختلف، از جمله دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی و رواندا، با رسیدگی به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، به تحقق این حق پرداخته‌اند. این دادگاه‌ها نه‌تنها به مجازات مجرمان کمک کرده‌اند، بلکه با افشای شواهد و حقیقت وقوع جنایات، سهم به‌سزایی در ایجاد شفافیت و عدالت جهانی ایفا کرده‌اند.

۲-۱- دادگاه نورنبرگ^۱

این نهاد قضایی، یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین دادگاه‌های تاریخ است که پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست آلمان نازی، توسط متفقین برای محاکمه سران و مسؤولان نازی برگزار شد. این دادگاه به‌عنوان نمونه‌ای از یک دادگاه بین‌المللی موقت شناخته می‌شود و تأثیر زیادی بر حقوق بین‌الملل کیفری و توسعه اصول عدالت بین‌المللی داشت. پس از شکست آلمان

۲-۱- جایگاه حق بر حقیقت در حقوق بین‌الملل

حق بر حقیقت یکی از اصول بنیادی در نظام حقوق بین‌الملل است که در اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی، به‌ویژه در زمینه‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه، جایگاه برجسته‌ای یافته است. این حق به‌طور خاص با حق قربانیان برای آگاهی از واقعیت جنایات ارتكابی و نقش دولت‌ها در افشای اطلاعات مرتبط است، لذا در ادامه به بررسی مهم‌ترین اسناد مربوطه می‌پردازیم.

ماده ۱۹ این اعلامیه بر آزادی اطلاعات و بیان تأکید دارد که از ارکان اصلی حق بر حقیقت است. این ماده به‌ویژه در چهارچوب حق عمومی دسترسی به اطلاعات دولتی و حقیقت جنایات، مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۶۸ اساسنامه رم بر مشارکت قربانیان در فرآیندهای قضایی و تضمین حقوق آن‌ها تأکید دارد. این ماده به‌عنوان مبنای حقوقی برای ارتقای جایگاه حق بر حقیقت در دادگاه کیفری بین‌المللی شناخته می‌شود.

قطعنامه ۱۴۷/۶۰ شورای حقوق بشر، با تأکید بر اصول جبران خسارت، مسؤولیت دولت‌ها در افشای حقایق جنایات گسترده و حمایت از قربانیان را یادآور می‌شود.

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب مانند کمیسیون آفریقای جنوبی، شیلی و گواتمالا نقش حیاتی در افشای حقایق نقض‌های گسترده حقوق بشری داشته‌اند. این نهادها علاوه بر شناسایی جنایات، به ترمیم اجتماعی و آشتی ملی نیز پرداخته‌اند.

ماده ۳۲ و ۳۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷) به‌صراحت حق خانواده‌ها برای دانستن سرنوشت عزیزان مفقود خود را به رسمیت شناخته است. این پروتکل‌ها مبنای حقوق بشردوستانه برای توسعه حق بر حقیقت هستند.

حق بر حقیقت در محاکماتی مانند دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا مورد استفاده قرار گرفته است. این محاکم، از طریق مستندسازی جنایات و

^۱ - Nuremberg Trials

از برجسته‌ترین نهادها در تحقق حق بر حقیقت در زمینه جنایات جنگی و ضدبشری بود. با محاکمه مقامات نازی و افشای گسترده حقیقت در مورد نقض‌های حقوق بشر در جنگ جهانی دوم، این دادگاه گامی بزرگ در راستای شفاف‌سازی تاریخ، شناسایی مسؤولین جنایات و تضمین عدالت بین‌المللی برداشت. افشای حقیقت در دادگاه نورنبرگ نه تنها به قربانیان امکان شناخت حقیقت را داد، بلکه موجب پایه‌گذاری اصول جدید حقوقی در سطح بین‌المللی شد که در نظام عدالت کیفری بین‌المللی همچنان معتبر است.

۲-۲- دادگاه جنایات جنگی توکیو^۱

دادگاه جنایات جنگی توکیو پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست ژاپن، مشابه دادگاه نورنبرگ، برای محاکمه سران نظامی ژاپن تشکیل شد. هدف از تشکیل این دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی ارتش ژاپن در طول جنگ و بررسی مسؤولیت‌های رهبران این کشور در ارتکاب این جنایات بود. دادگاه توکیو در مقایسه با دادگاه نورنبرگ چندین ویژگی مشابه و متفاوت داشت که در تاریخ حقوق بین‌الملل و عدالت کیفری بین‌المللی حائز اهمیت است. هدف اصلی دادگاه توکیو مشابه دادگاه نورنبرگ، رسیدگی به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت بود. متهمین به دلیل ارتکاب جنایاتی چون کشتار غیرنظامیان، استفاده از سربازان به‌عنوان برده کار، آزمایش‌های غیرانسانی و تجاوزات جنسی و نظامی در کشورهای اشغال‌شده در طول جنگ جهانی دوم به محاکمه کشیده شدند. در دادگاه توکیو، ۲۸ نفر از مقامات ارشد نظامی و دولتی ژاپن تحت محاکمه قرار گرفتند. از این افراد، ۷ نفر به اعدام محکوم شدند، ۱۶ نفر به حبس ابد یا حبس‌های طولانی‌مدت و ۲ نفر تبرئه شدند. در مجموع، بیشتر متهمین به دلیل نقض قوانین جنگ و جنایات جنگی مسؤول شناخته شدند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۶).

دادگاه توکیو نیز مانند دادگاه نورنبرگ در راستای تحقق حق بر حقیقت عمل کرد. این دادگاه با افشای جنایات جنگی ارتش ژاپن و مسؤولیت مقامات ارشد این کشور در ارتکاب این جنایات، حقیقت تاریخ جنگ جهانی دوم و جنایات ژاپن را

نازی و اشغال این کشور توسط نیروهای متفقین (آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اتحاد شوروی)، دادگاه نورنبرگ در سال ۱۹۴۵ با هدف محاکمه سران رژیم نازی که مرتکب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نقض قوانین بین‌المللی جنگ شده بودند، تشکیل شد. این دادگاه در واقع نقطه‌عطفی در تاریخ حقوق بین‌الملل بود، زیرا برای اولین بار مسؤولیت فردی در زمینه جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت مورد پذیرش و رسیدگی قرار گرفت (چاپاری و شایگان‌فرد، ۱۳۹۶: ۶۳).

این نهاد قضایی تأثیرات و پیامدهایی در سیستم عدالت کیفری و اجتماعی به دنبال داشته که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم داشت:

توسعه حقوق بین‌الملل کیفری: دادگاه نورنبرگ اولین بار مسؤولیت فردی در قبال نقض قوانین بین‌المللی و جنایات جنگی را به‌طور رسمی مطرح کرد. این روند بعدها به ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی همچون دادگاه بین‌المللی کیفری منجر شد.

تغییر نگرش به حقوق بشر: محکومیت جنایات علیه بشریت و هولوکاست در دادگاه نورنبرگ پایه‌گذار توسعه حقوق بشر بین‌المللی و استانداردهای جدید برای جلوگیری از جنایات مشابه در آینده شد.

اصلاحات در حقوق جنگ: احکام دادگاه نورنبرگ به بازنگری در قوانین جنگ و حقوق بشر بین‌المللی کمک کرد و موجب شد که قوانین جنگ به‌طور گسترده‌تری تحت نظارت بین‌المللی قرار گیرد.

دادگاه نورنبرگ با احکام تاریخی خود، نه تنها به‌عنوان یک اقدام قضایی علیه جنایات نازی‌ها شناخته می‌شود، بلکه به‌طور عمده به تحولات حقوق بین‌الملل کیفری کمک کرده و مبنای نظری و حقوقی برای ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی در آینده شد. این دادگاه یکی از اولین گام‌ها در پذیرش اصولی همچون مسؤولیت فردی برای جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت بود و به‌طور کلی به تغییر رویکرد جهان به مسائل حقوقی و اخلاقی در جنگ‌ها و بحران‌های بین‌المللی کمک کرد. این دادگاه یکی

¹ - Tokyo War Crimes Tribunal

جنگ‌های یوگسلاوی کمک کرده است. در این راستا، دادگاه یوگسلاوی اقدامات زیر را انجام داد:

افشای حقیقت درباره جنایات جنگی: دادگاه یوگسلاوی با بررسی پرونده‌های مختلف و رسیدگی به جنایات ارتكابی در جنگ‌های یوگسلاوی (از جمله نسل‌کشی در سربرنیتسا^۳ و تجاوزات گسترده در بوسنی و هرزگوین) حقیقت جنایات ارتكابی را آشکار کرد و از این طریق به قربانیان و جوامع آسیب‌دیده این امکان را داد که از حقیقت آگاه شوند.

ارائه مستندات و شواهد: دادگاه یوگسلاوی با جمع‌آوری مستندات و شهادت‌ها، حقیقت را نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی مطرح کرد. این شواهد به تبیین دقیق‌تر وقایع و رفتارهای مجرمان کمک کرده و موجب ایجاد یک پیشینه مستند برای جنایات جنگی در تاریخ معاصر گردید.

افشای هویت مرتکبین: دادگاه یوگسلاوی بسیاری از مقامات بلندپایه و رهبران نظامی و سیاسی را به‌عنوان مرتکبین جنایات جنگی شناسایی و محاکمه کرد. از این طریق، این دادگاه به قربانیان و جوامع مختلف این امکان را داد که از هویت مسؤولین جنایات آگاه شوند و در نتیجه حق بر حقیقت تحقق یابد.

حمایت از قربانیان: از آنجا که دادگاه علاوه بر محاکمه مجرمان، به مسائلی مانند شهادت قربانیان و شنیدن داستان‌های آنان نیز پرداخته، یک گام مهم در راستای تحقق عدالت ترمیمی و جبران آسیب‌های وارده به قربانیان برداشته شد.

ترویج آگاهی جهانی: از آنجا که دادگاه یوگسلاوی در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کرد، با برگزاری جلسات علنی و انتشار رأی‌ها و مستندات، موجب افزایش آگاهی عمومی در مورد ابعاد گسترده جنایات جنگی و نقض‌های حقوق بشری در یوگسلاوی شد. این امر کمک کرد تا جوامع دیگر از وقوع چنین جنایاتی در آینده جلوگیری کنند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳-۲۵).

آشکار کرد. از این رو، دادگاه توکیو در افشای جزئیات جنایات ژاپن، مشابه دادگاه نورنبرگ، به تحقق حق بر حقیقت و دستیابی به عدالت کمک کرد. دادگاه توکیو، همانند دادگاه نورنبرگ، نقطه عطفی در تاریخ حقوق بین‌الملل کیفری بود که مسؤولیت فردی در قبال جنایات جنگی و نقض قوانین بین‌المللی جنگ را تأسیس کرد. این دادگاه نیز در راستای تحقق حق بر حقیقت عمل کرده و حقیقت جنایات ژاپن را در سطح جهانی منتشر کرد، اگرچه دادگاه توکیو با برخی انتقادات مواجه است، اما نقش آن در تحکیم اصول عدالت بین‌المللی و ایجاد مبنای حقوقی برای محاکمه‌های بعدی در زمینه جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت غیرقابل انکار است.

۲-۳- دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی^۱

یک نهاد قضایی بین‌المللی بود که در سال ۱۹۹۳ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد برای محاکمه افرادی که در جریان جنگ‌های داخلی یوگسلاوی سابق مرتکب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی شدند، تأسیس شد. این دادگاه که مقر آن در لاهه، هلند بود، وظیفه رسیدگی به جرایم جدی بین‌المللی، مانند قتل عام، شکنجه، تجاوز و پاکسازی قومی را برعهده داشت. این دادگاه نخستین دادگاه بین‌المللی پس از دادگاه نورنبرگ و توکیو بود که به جرایم جنگی رسیدگی می‌کرد و نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل کیفری ایفا کرد. این دادگاه در سال ۲۰۱۷ به‌کار خود پایان داد و مسؤولیت برخی پرونده‌های باقی‌مانده به مکانیزم بین‌المللی به‌جامانده دادگاه‌های جنایی^۲ سپرده شد (ذاکریان و آقاعلیخانی، ۱۳۹۱: ۲۱۶).

دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در تحقق حق بر حقیقت نقش برجسته‌ای داشت. این دادگاه نه تنها به محاکمه مجرمان جنگی و جنایتکاران علیه بشریت پرداخته، بلکه از طریق رسیدگی به پرونده‌ها و افشای شواهد، به روشن‌شدن ابعاد مختلف جنایات جنگی و نقض‌های حقوق بشر در

³- Srebrenica

¹- International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia

²- International Residual Mechanism for Criminal Tribunals (IRMCT)

نه‌تنها عدالت کیفری را برقرار ساختند، بلکه زمینه‌ای برای آگاهی جهانی از جنایات انجام شده و پیشگیری از تکرار آن‌ها فراهم کردند. به عبارت دیگر، این دادگاه‌ها با روشن ساختن حقیقت و مسؤولیت‌های فردی، به تحقق یک جامعه بین‌المللی عادلانه‌تر و با شفافیت بیشتر کمک کرده‌اند.

دادگاه‌ها با استفاده از شهادت‌های مستقیم قربانیان به‌ویژه در دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، توانستند اطلاعات دقیق‌تری درباره جنایات و مسؤولیت افراد جمع‌آوری کنند. با این حال، گاهی قربانیان با تهدیدات امنیتی و خطرات روانی مواجه می‌شوند. گزارش‌های دادگاه‌ها، علاوه بر ارزش حقوقی، به‌عنوان اسناد تاریخی برای جلوگیری از انکار وقایع و بازسازی اعتماد در جوامع بحران‌زده استفاده شده است (Méndez, 2010: 19). دادگاه‌ها گاهی تحت تأثیر فشارهای سیاسی بین‌المللی یا محلی قرار گرفته و این امر شفافیت آن‌ها را کاهش داده است. برای مثال، در پرونده‌های مربوط به سودان، چین و روسیه بارها تلاش کردند تا مانع اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی شوند (Schabas, 2016: 518). این دادگاه‌ها اغلب با بودجه محدود مواجه هستند که باعث کاهش کارایی در جمع‌آوری مدارک و پیشبرد تحقیقات می‌شود. دشواری دسترسی به مناطق جنگی و محدودیت در حفاظت از قربانیان و شاهدان، اجرای مؤثر حق بر حقیقت را محدود کرده است.

فرآیند دادرسی گاهی بیش از یک دهه به طول می‌انجامد و قربانیان را از دستیابی سریع به عدالت و حقیقت محروم می‌کند. برای مثال، پرونده **راتکو ملادیچ** در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بیش از ۲۰ سال زمان برد تا به نتیجه برسد. دادگاه‌ها غالباً بر مجازات‌های عام‌المنفعه متمرکز بوده و کمتر به شفاف‌سازی جامع درباره همه ابعاد جنایات پرداخته‌اند (Teitel, 2000: 95). عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، علی‌رغم دستاوردهای مهم، نشان می‌دهد که این نهادها به‌تنهایی نمی‌توانند تمامی ابعاد حق بر حقیقت را تضمین کنند.

دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی در زمینه تحقق حق بر حقیقت به‌ویژه در زمینه افشای جنایات جنگی و شناسایی مسؤولین آن نقش مهمی ایفا کرد. با آشکار کردن ابعاد واقعی نقض حقوق بشر در جنگ‌های یوگسلاوی، این دادگاه به قربانیان و جوامع مختلف این امکان را داد که به حقیقت دست یابند که خود پیش‌نیازی برای دستیابی به عدالت و فرآیندهای آشتی و ترمیم اجتماعی است.

۲-۴- دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا^۱

دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا تلاش کرد تا حقیقت جنایات نسل‌کشی رواندا (۱۹۹۴) را از طریق شهادت هزاران قربانی و تحلیل داده‌ها روشن کند. محکومیت‌های نظیر ژان کامبندا، نخست‌وزیر سابق، نقطه‌عطفی در نشان‌دادن مسؤولیت رهبران سیاسی بود. با این حال تأخیر قابل توجه در بررسی پرونده‌ها که موجب کاهش اعتماد قربانیان شد و ناکافی بودن ارتباط میان دادگاه و جوامع محلی منجر به احساس بیگانگی در میان مردم رواندا شد (Peskin, 2005: 960). اقدامات دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا گامی بزرگ در راستای تحقق حق بر حقیقت بود. این دادگاه توانست واقعیت نسل‌کشی را ثبت و مسؤولیت عاملان را روشن کند. با این حال، برای تقویت کامل این حق، تعامل بهتر با جوامع محلی و کاهش تأخیر در دادرسی‌ها می‌توانست تأثیر بیشتری داشته باشد. تجربه این دادگاه نشان داد که حق بر حقیقت نیازمند ترکیبی از عدالت کیفری، شفافیت و مشارکت جوامع محلی است.

دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، به‌ویژه دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی و رواندا، در تحقق حق بر حقیقت نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند. این دادگاه‌ها با رسیدگی به جنایات جنگی و نقض‌های گسترده حقوق بشر، حقیقت آنچه در خلال جنگ‌ها و بحران‌ها رخ داده است را آشکار کرده و به شناسایی مسؤولیت‌های فردی پرداخته‌اند. در دادگاه نورنبرگ و توکیو، حقیقت جنایات نازی‌ها و ژاپنی‌ها در جنگ جهانی دوم فاش شد، درحالی‌که دادگاه یوگسلاوی با مستندسازی جنایات در جنگ‌های بالکان و دادگاه رواندا با افشای ابعاد نسل‌کشی رواندا، به عدالت بین‌المللی کمک کردند. از این رو این دادگاه‌ها

^۱ - International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

تجربه دیگر کمیسیون حقیقت‌یاب شیلی برای بررسی نقض حقوق بشر است که در دوره دیکتاتوری آگوستو پینوشه تشکیل شد. این کمیسیون توانست گزارش جامعی ارائه دهد که زمینه‌ساز تغییرات حقوقی و اجتماعی شد. با این حال، به دلیل عدم دسترسی به قدرت قضایی، اجرای عدالت کیفری در بسیاری از پرونده‌ها ناتمام ماند (Collins, 2010: 55). کمیسیون‌های حقیقت‌یاب با تمرکز بر جمع‌آوری و افشای حقیقت، ابزاری مؤثر برای بازسازی اعتماد اجتماعی هستند. با این وجود، محدودیت‌های اجرایی آن‌ها در مجازات مرتکبان، تضعیف‌کننده اثرگذاری‌شان است. برای افزایش کارایی این نهادها، توصیه می‌شود تقویت صلاحیت اجرایی با ایجاد پل میان کمیسیون‌ها و سیستم‌های قضایی و ایجاد مکانیزم‌های الزام‌آور برای اجرای توصیه‌های کمیسیون.

۳-۲- مزایای عدالت انتقالی نسبت به دادگاه‌ها

عدالت انتقالی بیش از دادگاه‌ها بر روایت و تجربه قربانیان تأکید دارد. این امر به آن‌ها امکان می‌دهد احساس مشارکت بیشتری در فرآیند عدالت داشته باشند. جلسات علنی کمیسیون‌ها و انتشار گزارش‌های جامع باعث افزایش شفافیت و آگاهی عمومی می‌شود. این ویژگی‌ها نقش کلیدی در پیشگیری از انکار وقایع دارند. برخلاف دادگاه‌های کیفری که فرآیندهای طولانی و پرهزینه‌ای دارند، مکانیزم‌های عدالت انتقالی در زمان کوتاه‌تری به نتایج ملموس‌تری می‌رسند (Laplante, 2008: 81). این رویکرد به افراد اجازه می‌دهد تا نه تنها از جنبه حقوقی، بلکه از منظر انسانی نیز در فرآیند عدالت مشارکت داشته باشند. شفافیت حاصل از جلسات علنی و گزارش‌های کمیسیون‌ها باعث می‌شود که جامعه از جزئیات وقایع آگاه شود و از انکار یا تحریف تاریخ جلوگیری کند. این ویژگی‌ها به ایجاد حس اعتماد در میان قربانیان و جامعه کمک می‌کند و به جلوگیری از بروز بحران‌های اجتماعی جدید منجر می‌شود. مقایسه با دادگاه‌های کیفری نشان می‌دهد که عدالت انتقالی به‌رغم عدم تمرکز کامل بر مجازات، به‌طور مؤثرتر و سریع‌تر می‌تواند نتایج ملموسی ایجاد کند. در واقع، عدالت انتقالی تنها به‌دنبال تنبیه متهمان نیست، بلکه بر ترمیم روابط اجتماعی و حفظ حقیقت تأکید دارد که این خود موجب تسریع فرآیندهای عدالت و هم‌زمان کاهش هزینه‌های اجتماعی و مالی می‌شود.

۳-۱- حق بر حقیقت در مکانیزم‌های عدالت انتقالی

عدالت انتقالی به فرآیندهای حقوقی و اجتماعی اشاره دارد که در جوامعی که از دوره‌ای از خشونت گسترده یا سرکوب عبور کرده‌اند، برای بازسازی صلح و اعتماد به‌کار گرفته می‌شود. این فرآیند تلاش می‌کند ضمن افشای حقایق، عدالت و آشتی را در کنار هم محقق کند (Teitel, 2000: 69).

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، از جمله نهادهایی هستند که با هدف بررسی جنایات گذشته تشکیل می‌شوند. هدف اصلی آن‌ها، جمع‌آوری شهادت‌ها، کشف حقیقت و انتشار گزارش‌هایی برای آگاهی عمومی و توصیه‌های اصلاحی است (Hayner, 2011: 25). برنامه‌های عفو مشروط نیز از جمله ابزارهای عدالت انتقالی به شمار می‌روند. معمولاً به افرادی که در جنایات گذشته شرکت داشته‌اند و حاضر به افشای حقیقت و همکاری هستند، عفو اعطا می‌شود. این عفو مشروط تضمین می‌کند که حقیقت بر عدالت کیفری اولویت یابد.

پرداخت غرامت مالی، عذرخواهی رسمی و ارائه حمایت‌های روان‌شناختی برای قربانیان نیز ابزار دیگری است که می‌توان از آن نیز نام برد. عدالت انتقالی یک ابزار عملی برای جوامعی است که به‌دلیل وسعت نقض‌ها و محدودیت منابع قادر به استفاده از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیستند. در این فرآیند، برخلاف دادگاه‌ها، قربانیان و روایت آن‌ها در کانون توجه قرار دارند.

۳-۱- تجربه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب

کمیسیون آفریقای جنوبی یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های عدالت انتقالی است که برای بررسی جنایات دوران آپارتاید ایجاد شد. این کمیسیون سه هدف کلیدی داشت:

مستندسازی حقیقت: گردآوری شهادت‌های بیش از ۲۱/۰۰۰ قربانی و ارائه گزارش عمومی.

آشتی ملی: اعطای عفو به کسانی که حقیقت را افشا کردند و پشیمانی نشان دادند.

جبران خسارت: ارائه توصیه‌هایی برای بازسازی اجتماعی و مالی قربانیان (Villa-Vicencio, 2000: 14).

این مکانیزم‌ها فضایی فراهم می‌کنند که قربانیان می‌توانند روایت‌های خود را بدون ترس از تلافی یا مجازات بیان کنند. این فرآیند به جامعه این امکان را می‌دهد که حقیقت را بشناسد و به آشتی برسد (Hayner, 2011: 29). عدالت انتقالی به جامعه اجازه می‌دهد تا به تدریج از دوره‌های خشونت‌بار عبور کرده و اعتماد ازدست‌رفته را بازسازی کند. این فرایند با افشای حقیقت و انجام اقدامات عملی برای جبران آسیب‌ها، از تکرار جرایم جلوگیری می‌کند (Villa-Vicencio, 2000: 15).

۴-۲- نقاط ضعف

با وجود مزایای فراوان، هر دو سیستم دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و عدالت انتقالی با چالش‌هایی مواجه هستند، از جمله این که روند رسیدگی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی طولانی بوده است. فرآیندهای قضایی پیچیده و طولانی می‌توانند تأثیر منفی بر قربانیان و جامعه داشته باشند که ممکن است موجب احساس نارضایتی شود (Schabas, 2017: 25). دادگاه‌های کیفری بیشتر بر جنبه‌های قانونی و قضایی متمرکز هستند و به دلیل محدودیت‌های موجود، گاهی اوقات به تجربیات و روایت‌های قربانیان کمتر توجه می‌شود (Bassiouni, 2011: 189). عدالت انتقالی نیز خالی از ضعف نبوده است، به‌ویژه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، فاقد صلاحیت اجرایی برای مجازات متهمان می‌باشد. این امر موجب می‌شود که مسؤولیت‌پذیری در مورد جنایات گذشته در بسیاری از موارد اجرایی نشود، حتی اگر حقیقت روشن شود (Teitel, 2000: 93). همچنین در برخی از سیستم‌ها، عدم برخورد قضایی با جنایات می‌تواند باعث احساس بی‌عدالتی در قربانیان و جوامع شود. در این صورت، حقیقت ممکن است فاش شود، اما عدم مجازات مجرمان باعث می‌شود که عدالت حقیقی برقرار نشود (Laplante, 2008: 82).

در بررسی تطبیقی میان دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و مکانیزم‌های عدالت انتقالی، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو سیستم از مزایا و معایب خاص خود برخوردارند. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در عرصه تعقیب قانونی و مجازات جنایتکاران نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند، اما با چالش‌هایی نظیر کندی فرایند و تمرکز کم بر قربانیان مواجه هستند. این

این رویکرد ممکن است در برخی موارد به‌عنوان یک انتخاب منطقی و کارآمد در مواجهه با بحران‌های پس از جنگ یا نقض‌های گسترده حقوق بشر دیده شود.

۳-۳- محدودیت‌ها و چالش‌ها

مکانیزم‌های عدالت انتقالی قدرت الزام‌آور برای مجازات مرتکبان ندارند، که می‌تواند منجر به نارضایتی قربانیان شود. در برخی موارد، دولت‌ها یا گروه‌های ذی‌نفع از انتشار کامل حقایق جلوگیری می‌کنند. در بسیاری از موارد، پیشنهادات کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به دلیل نبود حمایت سیاسی یا مالی اجرایی نمی‌شوند. این محدودیت‌ها نشان می‌دهند که عدالت انتقالی باید با سیستم‌های قضایی و بین‌المللی همکاری کند تا ضمن افشای حقیقت، مسؤولیت‌پذیری متهمان نیز تضمین شود.

۴-۴- تحلیل تطبیقی

در اینجا به نقاط قوت و ضعف دادگاه‌های بین‌المللی و عدالت انتقالی می‌پردازیم.

۴-۱- نقاط قوت

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی همچون دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یابند، از جمله:

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یک چهارچوب حقوقی واضح برای پیگیری جنایات جنگی، جنایات ضدبشری و نسل‌کشی ارائه می‌دهند. این دادگاه‌ها با استناد به قوانین بین‌المللی و اساسنامه‌های مربوطه، اجازه می‌دهند که مجرمان بین‌المللی تحت پیگرد قانونی قرار گیرند (Bassiouni, 2011: 187). یکی از ویژگی‌های کلیدی دادگاه‌ها، الزام متهمان به ارائه شهادت یا مستندات است. این اقدام به دادگاه‌ها کمک می‌کند تا شواهد لازم برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی را جمع‌آوری کنند (Kress, 2007: 74). عدالت انتقالی، که بر ابزارهایی مانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، عفو مشروط و جبران خسارت قربانیان تمرکز دارد، مزایای خاصی دارد:

اما این مکانیزم‌ها به دلیل عدم قدرت اجرایی برای الزام به مجازات متهمان، در برخی مواقع نمی‌توانند عدالت را به طور کامل به انجام برسانند.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که برای تحقق بهتر حق بر حقیقت، ضروری است که سیستم‌های قضایی بین‌المللی و عدالت انتقالی از یکدیگر بهره‌برداری کنند، درحالی‌که دادگاه‌های کیفری به مجازات مجرمان و اجرای عدالت در سطح بین‌المللی اهمیت می‌دهند، مکانیزم‌های عدالت انتقالی می‌توانند با تمرکز بر جبران خسارت و بیان تجربیات قربانیان، به تکمیل فرآیند حقیقت‌یابی کمک کنند. علاوه بر این، تقویت دسترسی به شواهد، حمایت از قربانیان و تسهیل فرایند شهادت‌دهی می‌تواند به بهبود کارایی هر دو سیستم کمک کند. درنهایت، با بهره‌برداری از ظرفیت‌های هر دو سیستم، می‌توان به تحقق عدالت جامع‌تر و بازسازی اعتماد عمومی در جوامع پس از بحران‌ها یا جنگ‌ها دست یافت. این ترکیب می‌تواند علاوه بر بهبود شرایط قضایی، به تأسیس الگویی مؤثر برای تحقق عدالت در سطح بین‌المللی تبدیل شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله منفرداً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- چاپاری، محمدعلی و شایگان‌فرد، مجید (۱۳۹۶). «مسئولیت کیفری در جنایات بین‌المللی و تقابل آن با گفتمان مصونیت».

در حالی است که مکانیزم‌های عدالت انتقالی با تمرکز بر حق قربانیان برای بیان حقیقت و کمک به بازسازی اعتماد اجتماعی توانسته‌اند دستاوردهای قابل توجهی داشته باشند، ولی عدم توانایی در مجازات متهمان به‌عنوان یکی از نقاط ضعف اساسی آن‌ها مطرح است.

بنابراین ترکیب و هم‌افزایی هر دو سیستم، به‌ویژه در زمینه مجازات و افشای حقیقت، می‌تواند به نتایج بهتری در تحقق حق بر حقیقت و ارائه عدالت به قربانیان منجر شود. پیشنهاد می‌شود که دادگاه‌های بین‌المللی به منظور تقویت ارتباط با قربانیان و افزایش شفافیت، از رویکردهای عدالت انتقالی بهره‌مند شوند. همچنین، برای تقویت عدالت انتقالی، لازم است که ابزارهای اجرایی و قضایی بیشتری برای الزام به مجازات مجرمان ایجاد شود.

نتیجه‌گیری

حق بر حقیقت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر، به‌ویژه در زمینه‌های عدالت کیفری بین‌المللی و عدالت انتقالی، نقشی حیاتی در فرآیند تحقق عدالت و آشتی ملی ایفا می‌کند. این حق به قربانیان امکان می‌دهد تا از جزئیات جنایات ارتكابی علیه خود مطلع شوند و بتوانند مسؤولان این جنایات را شناسایی کنند. در نظام‌های مختلف قضایی بین‌المللی، دادگاه‌های کیفری مانند دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق با ساختار قانونی خود توانسته‌اند نقشی اساسی در تعقیب و مجازات جنایتکاران ایفا کنند، اما مشکلاتی مانند کندی در روند رسیدگی، فشارهای سیاسی و کمبود منابع مانع از تحقق کامل حق بر حقیقت شده است. این دادگاه‌ها معمولاً بر مجازات متهمان تمرکز دارند، درحالی‌که کمتر به روایت قربانیان و جبران خسارت آن‌ها توجه می‌کنند.

در مقابل، مکانیزم‌های عدالت انتقالی، به‌ویژه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در کشورهای پس از منازعات یا دیکتاتوری‌ها، رویکردی جامع‌تری به حقیقت‌یابی دارند و فرصتی برای قربانیان فراهم می‌آورند تا تجربیات خود را بیان کنند. این کمیسیون‌ها، به‌ویژه در آفریقای جنوبی و شیلی، تأکید بیشتری بر بازسازی اعتماد اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرایم دارند.

- Oette, L (2021). *International Human Rights Law and Practice*. Oxford: Oxford University Press.

- Peskin, V (2005). "Beyond Victor's Justice? The Challenge of Prosecuting the Winners at the International Criminal Tribunals for the Former Yugoslavia and Rwanda". *The Journal of Human Rights*, 4(4): 950-972.

- Schabas, W (2016). *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge University Press.

- Schabas, W.A (2017). *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge University Press.

- Teitel, R.G (2000). *Transitional Justice*. Oxford University Press.

- Van Boven, T (1993). *Study concerning the right to restitution, compensation and rehabilitation*. UN Sub-Commission on Human Rights.

- Villa-Vicencio, C (2000). *The Spirit of Freedom: South African Leaders on Religion and Politics*. University of California Press.

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۳۷: ۵۹-۹۲.

- ذاکریان، مهدی و آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق؛ فعالیت‌ها و دستاوردها». فصلنامه سیاست خارجی، ۲۶(۱): ۲۱۳-۲۴۲.

- صالحی، وحید؛ هاشمی، سیدمحمد و زمانی، سیدقاسم (۱۴۰۰). «رویکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به اصل امنیت حقوقی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۸۱: ۶-۴۷.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۳). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات دادگستر.

ب. منابع انگلیسی

- Bassiouni, M. C (2011). *The Law of the International Criminal Court*. Oxford: Oxford University Press.

- Clark, J.N (2018). *Rethinking Transitional Justice for the Twenty-First Century*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Collins, C (2010). *Post-transitional Justice: Human Rights Trials in Chile and El Salvador*. Penn State Press.

- Hayner, P.B (2011). *Unspeakable Truths: Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions*. Routledge.

- Kress, C (2007). "The Role of the International Criminal Court in the Enforcement of International Criminal Law". *Journal of International Criminal Justice*, 5(1): 60-79.

- Laplante, L.J (2008). "Transitional Justice and Peace Building: Diagnosing and Addressing the Socioeconomic Roots of Violence". *International Journal of Transitional Justice*, 2(3): 331-355.

- Méndez, J. E (2010). *Truth and Partial Justice in Argentina*. France: Notre Dame University Press.

- Naqvi, Y (2006). "The Right to the Truth in International Law: Fact or Fiction?". *International Review of the Red Cross*, 88(862): 245-273.